



تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۰۱

تاریخ بازنگری: ۹۹/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۷

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۶/۳۱

نقد و تحلیل مبانی فقهی مشروعیت اقسام نکاح عرفی در فقه اهل سنت

عبدالله باقری ورزنده*^۱ صدیقه حاتمی^۲

چکیده

نکاح عرفی از جمله نکاح‌های نوظهور و غیرعادی است که در میان فرق اهل سنت پدیدار گشته است، ویژگی بارز نکاح عرفی عدم ثبت رسمی در دفاتر ازدواج و طلاق است. این نوع نکاح از یک طرف زمینه را برای بسیاری از مشکلات اجتماعی، قانونی و روحی - روانی زوجین و جامعه فراهم نموده و از طرف دیگر رواج این نوع نکاح و فقدان نظری هماهنگ در میان فقیهان اهل سنت در خصوص ماهیت و مشروعیت اقسام آن پژوهش در این راستا را می‌طلبد. فقیهان اهل سنت برخی قائل به صحت این نوع نکاح با تمام اقسام آن شده اند، برخی نیز در انواع مختلف آن با توجه به ارکان و شرایط صحت نکاح، قائل به تفصل شده اند؛ لذا مقاله حاضر در پژوهشی توصیفی-تحلیلی به نقد و ارزیابی دیدگاه‌های موجود در مسئله پرداخته و در نهایت با پذیرش قول به صحت نکاح عرفی در صورت واجد بودن تمام ارکان و شروط صحت نکاح، ضمانت اجرایی مدنی و کیفری در خصوص عدم ثبت رسمی نکاح را ضروری دانسته است.

واژگان کلیدی: نکاح عرفی، اقسام نکاح عرفی، مشروعیت نکاح عرفی، ثبت رسمی، ارکان و شروط صحت نکاح

۱ دانش آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. Email:abdollah.baghere@gmail.com

۲ دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. Email: hatamisedighe@yahoo.com

۱. مقدمه

پیشرفت‌های روزافزون تکنولوژی و گسترش بسترهای مراودات و ارتباطات و از سوی دیگر گاه موانع و مشکلات نکاح دائم، سبب ایجاد ازدواج‌های نوظهور و جدیدی شده که ظاهر آن عقد دائم و معمولاً با اسقاط برخی از حقوق زن و به جهت بهره‌مندی موقت از وی است. از جمله آن‌ها، ازدواج عرفی می‌باشد.

ازدواج عرفی از جمله ازدواج‌هایی است که در عصر حاضر در میان برخی از کشورهای سنی مذهب خصوصاً الجزایر، مصر و مراکش و بیشتر در بین دانشجویان دانشگاه‌ها و در میان برخی سنی مذهب‌های ایران مرسوم شده است و آن نوعی ازدواج است که یا فاقد برخی از ارکان و شروط صحت نکاح چون اذن ولی، شهود و ... است و یا چه بسا تمام ارکان و شروط صحت نکاح را دارد، اما به‌رحال مشکل اساسی آن ثبت رسمی نشدن در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق است (زحیلی، ۱۹۳۲؛ عبدالعظیم، ۲۰۰۲؛ فاضلی، ۲۰۰۸). لذا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که وضعیت ماهیت و مشروعیت نکاح عرفی در تمام انواع آن به چه صورت است؟ در پاسخ به پرسش مزبور، میان علمای اهل تسنن در صحت و بطلان انواع این نوع ازدواج اختلاف نظر وجود دارد، برخی قائل به صحت تمام انواع نکاح عرفی شده‌اند و آن را تنها راه حل شرعی نیفتادن در دام زنا می‌دانند (ابن الهمام الحنفی، ۱۳۱۵)، برخی نیز در انواع مختلف نکاح عرفی قائل به تفکیک شده‌اند (الجارحی، ۲۰۱۲؛ جزیری، ۱۴۱۹)؛ لذا مقاله حاضر بر آن است تا با توجه به مستندات موجود و تحلیل و ارزیابی آن‌ها در محک فقه، به انتخاب و تبیین نظریه صائب در هر مورد از نکاح عرفی پردازد.

به دلیل رواج این نوع ازدواج در بین جوامع اهل سنت و مشکلات اجتماعی، قانونی، روحی روانی ناشی از این نوع ازدواج (عبدالعظیم، ۲۰۰۲) و از طرفی تشتت آراء فقهای اهل سنت در خصوص حکم شرعی این نکاح (جزیری، ۱۴۱۹) و از طرفی نیز به دلیل تشویق و تحریک افرادی که اقدام به این نوع نکاح نموده‌اند به ثبت رسمی آن به جهت برخورداری از حمایت قانونی، ضروری می‌نماید تا پژوهشی در این راستا انجام شود.

در مورد نکاح عرفی برخلاف نکاح‌های رایج دیگر در میان فرق اهل سنت (همانند نکاح مسیار) پژوهش‌های علمی چندانی صورت نگرفته است و تنها مقاله‌ای که در این زمینه نگاشته شده است، مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی مشروعیت ازدواج عرفی از دیدگاه اهل سنت، عواقب و چالش‌های آن» است، که به عواقب، عوامل و چالش‌های ازدواج عرفی و مشروعیت این نوع ازدواج به صورت کلی پرداخته شده است، حال آنکه نگارنده با توجه به مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته، بدین نتیجه رسیده که نکاح عرفی با توجه به ارکان و شرایط صحت نکاح در آن، اقسام و

انواعی دارد؛ لذا در مقاله حاضر ابتدا ازدواج عرفی با توجه به ارکان و شرایط صحت نکاح، تفکیک شده و این نوع ازدواج در چند دسته قرار داده شده است، سپس در ضمن هر نوع از آن، دیدگاه‌های موجود در مسئله از خلال متون فقه اهل تسنن استخراج شده، مستندات آن‌ها در محک فقه مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد و پس از ارزیابی تمامی دیدگاه‌ها و مستندات موجود، به تبیین قول مختار در هر نوع از ازدواج عرفی پرداخته می‌شود.

۲. ارکان و شروط صحت نکاح

پیش از بررسی و تحلیل ماهیت و احکام نکاح عرفی، ضروری است مختصراً به بیان ارکان و شروط صحت نکاح از دیدگاه فقه اهل سنت پرداخته شود:

۱-۲. صیغه ایجاب و قبول و تعیین زوجین: به اتفاق علمای اهل سنت صیغه ایجاب و قبول با الفاظی که صراحتاً دلالت بر قصد ازدواج نماید و همچنین تعیین زوجین هنگام اجرای صیغه عقد نکاح از ارکان صحت عقد نکاح است. (جزیری، ۱۴۱۹؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۹۸۸)

۳- اذن ولی: از نظر فقهای مالکیه، شافعیه، حنابله، اذن ولی شرط انعقاد ازدواج زن می‌باشد و از این نظر فرقی میان باکره و بیوه نیست. درحالی‌که از نظر حنفیه اذن ولی شرط ازدواج زن عاقل بالغ نیست خواه باکره باشد و خواه بیوه، البته به شرطی که هم‌شان خود را انتخاب کند و مهریه او کمتر از مهرالمثل نباشد. (النووی، بی‌تا؛ الشافعی، ۱۴۱۰)

۴- شهود: إشهد مشتق از واژه "شهد" و در لغت به معنای شاهد گرفتن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴) در میان فرق اهل سنت، حنفیه، شافعیه و حنابله به دلیل این فرموده پیامبر (ص) «لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيٍّ وَشَاهِدَيْنِ» یعنی: «نکاح جز با حضور ولی و دو شاهد عادل صحیح نیست» (ترمذی، ۱۴۱۹) حضور دو شاهد عادل را هنگام اجرای صیغه نکاح، شرط صحت عقد می‌دانند. (ابن الهمام، ۱۳۱۵؛ جزیری، ۱۴۱۹؛ ابن رشد، ۱۹۹۵) ولی مالکیه وقوع و تحقق عقد را منوط به وجود شاهد نمی‌دانند و تنها بر استحباب آن نظر دارند، اما هنگام مقاربت و نزدیکی حضور شهود را واجب می‌دانند؛ لذا در صورت زفاف زوج با زوجه بدون حضور شهود، نکاحشان با طلاق بائن فسخ می‌گردد. (الدردیر، بی‌تا)

۵- مهریه: از دیدگاه مذاهب شافعیه، حنفیه و حنابله، مهر رکن و یا شرط صحت عقد نکاح نیست. (ابن قدامه، ۱۴۰۵؛ ابن الهمام، ۱۳۱۵) گرچه از نظر تمام این مذاهب ذکر مهر در ضمن عقد مستحب و عدم ذکر آن مکروه است. (الدردیر، بی‌تا) اما مالکیه مهر را شرط صحت عقد قرار داده‌اند. (الدردیر، بی‌تا)

۶- تراضی زوجین: رضایت زوجین به نکاح از شروط صحت نکاح در همه فرق اهل سنت جز حنفیه است. (بیهقی،

(۱۴۱۱)

۷- اعلان: اعلان بر وزن افعال مشتق از واژه "علن" به معنای آشکار نمودن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴) و در اصطلاح فقهی به معنای اظهار صیغه عقد در میان جمعی از مردم است. اعلان متضاد اسرار و بلیغ‌تر از اشهاد است، چراکه اشهاد منافاتی با پنهانی بودن ندارد. مالکیه اعلان صیغه عقد نکاح را به وسیله خطبه و خطابه واجب می‌دانند. (نیآوردی، ۱۹۹۴؛ جزیری، ۱۴۱۹) یعنی معتقدند علاوه بر اشهاد، نوعی اعلان عمومی نیز واجب است؛ اما در فرق دیگر اهل سنت اعلان صیغه عقد نکاح مستحب است و در زمره شروط صحت نکاح بشمار نمی‌رود. (جزیری، ۱۴۱۹)

۳. ماهیت و عوامل پیدایش نکاح عرفی

۳-۱. ماهیت نکاح عرفی

از ازدواج عرفی با نام‌های دیگر نظیر "زواج الفاتحه"، "زواج المغفل"، "ازدواج المصیاف"، "زواج الفناین و المشاهیر"، "زواج البدیل"، "زواج الاتفاق" و "زواج الونوس" نیز یاد می‌شود. تعاریف متعدد و یا به عبارتی اشکال متعددی از ازدواج عرفی به‌قرار ذیل صورت می‌گیرد که هرکدام واجد حکم خاص خود است:

۱- تعریف رایج این است که ازدواج عرفی نکاحی است همراه با ایجاب و قبول و حضور شهود که توسط یک نفر روحانی و یا عالم دینی صیغه عقد منعقد شده، اما در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق یا ادارات ثبت‌احوال ثبت نمی‌شود. در این تعریف نکاح عرفی دارای تمام ارکان و شرایط صحت نکاح در نظر عامه بوده و صرفاً ثبت رسمی نمی‌شود.

۲- ازدواج عرفی به ازدواجی گفته می‌شود که دارای تمام خصوصیات ازدواج صحیح شرعی در نظر عامه است، اما به‌صورت غیرعلنی و مخفی صورت می‌گیرد، یعنی نه ثبت رسمی می‌شود و نه اینکه اعلان می‌گردد. تفاوت این تعریف با تعریف نخستین، سعی و تبانی بر مخفی نگه‌داشتن این ازدواج است. ۳- منظور از ازدواج عرفی ازدواجی است که علی‌رغم وجود شهود، فاقد اذن ولی دختر بوده و ثبت و اعلان نیز در آن وجود ندارد. ۴- در ازدواج عرفی هرچند ایجاب و قبول توسط طرفین جاری می‌گردد، اما این عقد بدون اذن ولی و شهود و بدون ثبت و اعلان است. (زحیلی، ۱۹۳۲؛ عبدالعظیم، ۲۰۰۲؛ فاضلی، ۲۰۰۸)

لذا مشکلات ازدواج عرفی بر اساس ارکان و شروط صحت نکاح در نظر فقه عامه مطابق با تعاریف فوق از این قرارند:

تعریف اول: ۱. عدم ثبت

تعریف دوم: ۱. عدم ثبت ۲. عدم اعلان

تعریف سوم: ۱. عدم ثبت ۲. عدم اعلان ۳. عدم اذن ولی

تعریف چهارم: ۱. عدم ثبت ۲. عدم اعلان ۳. عدم اذن ولی ۴. عدم شهود

۲-۳. اشکال نکاح عرفی

ازدواج عرفی علاوه بر روش عادی و معمولی مذکور در تعاریف، به اشکال دیگری نیز منعقد می‌شود که از قرار ذیل‌اند:

۱- از طریق خال‌کوبی: بدین صورت که دختر و پسر به مراکز خال‌کوبی می‌روند و بر روی بازوها و یا هرجایی از بدن که بخواهند، طرح خاصی خال‌کوبی می‌شود و به‌موجب آن خال‌کوبی، دختر و پسر به زوجیت هم درمی‌آیند. چنین ازدواجی حرام است زیرا چگونه چیزی که خود حرام است (خال‌کوبی) می‌تواند وسیله‌ای برای تحقق امر حلال شود. (ابن تیمیه، ۱۹۹۷)

۲- از طریق ضبط صوت: بدین صورت که دختر و پسر که مایل به ازدواج با یکدیگرند، در مکانی قرار می‌گیرند و عباراتی ساده مبنی بر زوجیت را تکرار می‌کنند، مانند: می‌خواهم با تو ازدواج کنم و طرف مقابل نیز زوجیت را قبول می‌کند و سپس این گفتگو ساده ضبط می‌شود. شکی در بطلان این ازدواج وجود ندارد. زیرا فاقد نصوص عقد شرعی است. اما برخی از اهل سنت چنین ازدواجی را میثاقی مقدس می‌دانند و آن را نکاحی صحیح می‌دانند. (همان)

۳- از طریق تمبر: بر روی پیشانی دختر و پسر تمبر گذاشته می‌شود و با هم متفق می‌شوند که هیچ‌کدام یکدیگر را ترک نکنند و بدین شکل زوجیت شکل می‌گیرد.

۴- از طریق خون: این ازدواج بدین شکل است که هرکدام از زن و مرد انگشت ابهام خود را زخمی کرده و سپس انگشتان را در تماس یکدیگر قرار داده و خون‌ها را با یکدیگر مخلوط می‌کنند و این وسیله‌ای برای عشق و زوجیت بین آن‌ها است. این ازدواج بین جوانان، ازدواج خون نامیده می‌شود. و یا بدین شکل که ورقه‌ای که مفاد آن قبول زوجیت بین زن و مرد است، هرکدام از زن و مرد با انگشت ابهام خونی آن را امضاء و تأیید می‌کنند. شکی نیست که این نوع ازدواج نیز همانند ازدواج‌های دیگر ناشی از افکار شیطانی است و از طرفی این نوع نیز خطرناک‌تر است، زیرا انگشتان خونی با هم در تماس قرار می‌گیرد و می‌تواند سبب انتقال امراض خطرناک چون ایدز، هپاتیت و ... شود (زحیلی، ۱۹۳۲).

۵- از این طریق که زن خود را به مرد هدیه کند: مراد ازدواجی است که زن به مرد بگوید به او رغبت دارد و می‌خواهد با او ازدواج کند و خود را به او هدیه می‌کند، مرد نیز زوجیت زن را قبول می‌کند. این نوع ازدواج برگرفته شده از عمل زنی است که در قرآن کریم سوره احزاب آیه ۵۰ آمده: «و زن باایمانی که [بدون چشمداشت مهریه] خود را به پیامبر ببخشد، چنانچه پیامبر، ازدواج با او را بخواهد [ازدواج با او بی‌مانع است]، [این حکم] ویژه توست نه مؤمنان»، اما همان‌گونه که آیه صراحت بر آن دارد، ازدواج هبه مختص پیامبر است (همان).

۶- از طریق اینترنت: منظور ازدواج از طریق سایت‌های اینترنتی مختص ازدواج است. اگر اینترنت وسیله‌ای برای ازدواج شرعی با تمام ارکان و شروط باشد خلافی در آن نیست که صحیح است، زیرا ازدواج صحیح و اینترنت فقط وسیله است. اما اگر ارکان و شروط آن ناقص باشد ازدواج صحیح نیست. اما برخی کلاً این‌گونه ازدواج‌ها را غیر صحیح می‌دانند، زیرا عقد نکاح نیاز به شرایط و ارکانی دارد که به این وجه ایجاد و حاصل نمی‌شود (همان).

۳-۳. عوامل پیدایش نکاح عرفی

عوامل زیادی باعث شکل‌گیری و به‌تبع گسترش ازدواج عرفی می‌شود که برخی از این عوامل منشأ اجتماعی، برخی از ناحیه مرد، برخی از ناحیه زن و برخی نیز از ناحیه زن و مرد هر دو، از علل تمایل افراد به ازدواج عرفی تلقی می‌شوند، از جمله آن‌ها: زیاد بودن مهریه‌ها، سخت شدن تکالیف و وظایف زوج، گسترش ارتباطات، طولانی شدن دوره‌های تحصیلی علم و دانش، بالا رفتن سن ازدواج، اختلاط زن و مرد در محیط‌های مشترک، متزلزل شدن پایه‌های خانواده، از بین رفتن روحیه حیا و عفت، ممنوعیت ازدواج دوم در برخی دولت‌ها، مسافرت‌ها، عدم قدرت بر ازدواج دائم، فراهم آوردن معاش از جانب زن، ترس از مخالفت فرزند و یا پدر و یا دیگر اهالی خانواده برای ازدواج با مرد و یا زن موردنظر، کمک به زن مثلاً به جهت کمک نفقه و ایتماش، ترس از عدم توانایی نزدیکی برای مردان سن بالا و لذا بی‌فایده بودن نکاح رسمی، درحالی‌که در نکاح عرفی در صورت عدم توانایی جنسی به‌راحتی می‌تواند زن را رها کند، رغبت زن و مرد به هم برای برطرف نمودن شهوات جنسی و نیفتادن به مسئله زنا، نگاه حقیرانه به مرد متمایل به تعدد ازدواج و تهمت شهوانی بودن وی و ... از اسباب ظهور و گسترش ازدواج عرفی می‌باشند. (عبدالعظیم، ۲۰۰۲)

۴. مشروعیت نکاح عرفی

چنانچه پیش‌تر آمد ازدواج عرفی به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد که هرکدام حکم خاص خود را دارد، به‌طورکلی می‌توان آن را به دو دسته تقسیم نمود:

۴-۱. ازدواج عرفی واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح

چنانچه منظور از ازدواج عرفی را همان ازدواج شرعی و معروف واجد تمام ارکان و شرایط صحت نکاح، تلقی نماییم که فقط ثبت رسمی نمی‌شود، در خصوص چنین ازدواجی بین علمای اهل سنت دو قول وجود دارد:

الف) مشهور علمای اهل سنت قائل به صحت و شرعی بودن نکاح عرفی هستند. (الجارحی، ۲۰۱۲؛ زحیلی، ۱۴۲۸) زیرا ازدواج مذکور واجد تمام ارکان و شروط صحت (صیغه ایجاب و قبول، شهود، اذن ولی، اعلان) است و اگر

اشکال شود که هر عقدی که تمام ارکان و شروط صحت را داشته باشد به معنای صحت آن نیست، همچون نکاح تحلیل؛ از این اشکال چنین پاسخ داده می‌شود که نکاح تحلیل نصّ شرعی بر تحریم آن وجود دارد، اما نکاح عرفی نصّ شرعی بر حرمت آن نیست. همچنین اگر اشکال شود که چنین نکاحی ثبت رسمی نمی‌گردد، از این مناقشه نیز پاسخ داده می‌شود که صحت عقد ازدواج، مشروط به ثبت آن در دفاتر رسمی نیست، (ابن تیمیّه، ۱۹۹۷) گرچه رسمی نمودن عقد ازدواج در عصر حاضر، به دلیل دور ماندن عقد از شهوات، تزویر و حفظ حقوق زوجین و فرزندان، از ضروریات عقد است، اما شرط صحت عقد نیست و عدم ثبت آن خدشه‌ای به حلیت و صحت نکاح عرفی وارد نمی‌کند؛ لذا می‌توان اذعان به صحیح بودن چنین نکاحی نمود.

ب) برخی از علمای معاصر اهل سنت قائل به حرمت نکاح عرفی شده‌اند. (الشرفاوی، ۲۰۰؛ السکری، ۲۰۰۰) ادله این گروه عبارت‌اند از:

۱- ازدواج عرفی که واجد تمام ارکان و شروط است به دلیل اینکه در نکاح قصد استمرار و دوام نکاح نیست، بلکه قصد تمتع و لذت بردن جنسی است، لذا حرام است.

اما دلیل مزبور قابل مناقشه است، زیرا؛ چه بسا در ازدواج عرفی قصد، انعقاد نکاحی به روشی راحت‌تر از ازدواج رسمی باشد، پس دلیلی بر حرمت آن نیست و روشی راحت برای حفظ نفس از حرام است، به‌ویژه در عصر حاضر.

۲- نکاح عرفی اگرچه شرعی است اما سبب مشکلات اجتماعی زیادی می‌شود، از جمله تزییع حقوق زوجه و فرزندان، خیانت، دروغ و ... (الشرفاوی، ۲۰۰۰؛ السکری، ۲۰۰۰)

استناد به این دلیل نیز قابل مناقشه است، زیرا از طرفی مشکلات اجتماعی مذکور از حکمت‌های ازدواج است نه علت ازدواج، حکم ازدواج نیز دایره مدار علت است نه حکمت. از طرفی دیگر برخی از مشکلات مطروحه در نکاح رسمی نیز ممکن است ایجاد شود.

۳- عقد ازدواج برخلاف عقود دیگر متعلق به بضع است و اصل در بضع حرمت است، تحریم نیز جز با دلیل معتبر نمی‌تواند تبدیل به امر مباح شود، بنابراین در تقابل حلیت و حرمت، حرمت غلبه پیدا می‌کند. (ابن نجیم، ۱۹۸۰)

اما این استدلال قابل‌پذیرش نیست زیرا چنین نکاحی واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح است، لذا تقابل حلیت و حرمت نیست بلکه فقط حلیت است.

۴- اشکال شده است که در چنین نکاحی اهداف و مقاصد شرع از ازدواج محقق نمی‌شود، پس باطل است؛ زیرا مطابق با آیه ۲۱ سوره رم: «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و

میانان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.» و روایت پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «ازدواج کنید و فرزند بی‌آورید که در روز قیامت میان ملت‌ها به شما افتخار می‌کنیم گرچه بچه سقط شده باشد.» (بخاری، ۱۴۰۱) هدف نکاح؛ تولیدمثل، آرامش و اطمینان بین زوج و زوجه که بر اساس مودت و رحمت باشد و برپایی زندگی همراه با آسایش است. درحالی‌که در ازدواج عرفی چنین مقاصد و اهدافی نیست (ابو‌احمد، بی‌تا) و در بسیاری از موارد نفقه، مسکن، پوشاک، مودت، رحمت و همکاری وجود ندارد، بلکه نگرانی، اضطراب، حسرت و پشیمانی وجود دارد.

اما این مناقشه قابل‌پذیرش نیست؛ زیرا بین علت و حکمت فرق است، حکم دائر مدار علت است نه حکمت و در اینجا تناسل، آرامش و رحمت، حکمت ازدواج می‌باشد نه علت آن. چراکه در بسیاری از موارد نکاح هست اما بقاء نسل نیست، همانند بسیاری از افراد که پس از ازدواج تمایلی به فرزند دار شدن ندارند و مانع از بارداری می‌شوند، بنابراین چنین امری نمی‌تواند دلیل بر بطلان نکاح عرفی شود، زیرا اهداف شرع در غالب ازدواج‌ها وجود دارد و برخی از آن‌ها در ازدواج عرفی نیست و این اشکالی ندارد.

۲-۴. ازدواج عرفی فاقد ارکان و شروط صحت نکاح

چنانچه پیش‌تر در تعریف نکاح عرفی آمد، این نوع نکاح ممکن است فاقد برخی از ارکان و شروط نکاح باشد، در چنین حالتی، در خصوص مشروعیت آن بین فرق اهل سنت اختلافاتی وجود دارد؛ حالات و حکم شرعی نکاح عرفی فاقد برخی از ارکان و شروط صحت، از این‌قرارد:

عدم اعلان: مطابق با تعریف دوم از نکاح عرفی، در صورتی‌که این نکاح علاوه بر عدم ثبت رسمی، اعلان نیز نگردد، بنا بر نظریه مالکیه حتی با وجود اذن ولی، عقد باطل است، زیرا مالکیه اعلان نکاح را واجب می‌دانند و تبانی زوجین و شهود بر پنهان کردن امر ازدواج موجب بطلان آن عقد می‌گردد. (جزیری، ۱۴۱۹؛ زحیلی، ۱۹۳۲) اما دیگر فرق چنین نکاحی را صحیح می‌دانند، زیرا از نظر آنان اعلان صیغه عقد نکاح مستحب است و در زمره شروط صحت نکاح بشمار نمی‌رود؛ اما اگر بر عدم اعلان آن تبانی صورت نگرفته باشد از نظر مالکیه نیز ازدواج صحیح است. (ابن‌الهمام الحنفی، ۱۳۱۵؛ ابن‌قدامه، ۱۹۸۸)

عدم اعلان و عدم اذن ولی: مطابق با تعریف سوم از نکاح عرفی، در صورتی‌که انعقاد این نوع نکاح با حضور شهود اما بدون اذن ولی باشد، همه مذاهب اهل سنت جزء حنفیه، آن را باطل می‌دانند، چراکه حضور ولی را از ارکان عقد نکاح می‌دانند. (عبدالعظیم، ۲۰۰۲) اما در مذهب حنفی چنین ازدواجی صحیح می‌باشد، زیرا از نظر ایشان اذن ولی شرط صحت ازدواج زن عاقل بالغ نیست خواه باکره باشد و خواه بیوه، البته در صورتی‌که زوج هم‌شأن وی باشد و

همچنین مهریه وی کمتر از مهرالمثل نباشد؛ در غیر این دو صورت، ولی می‌تواند تقاضای فسخ نکاح را نماید. (بکر، ۱۹۹۸؛ عبدالعظیم، ۲۰۰۲) ایشان معتقدند؛ اصل بر این است که هر کس که در امور مالی خویش مستقل باشد، در امر نکاح نیز مستقل خواهد بود و احادیثی که سایر مذاهب اهل سنت برای اذن ولی در نکاح باکره به آن استناد نموده‌اند را ضعیف می‌دانند. (ابن نجیم، بی‌تا)

عدم اعلان، عدم اذن ولی و عدم شهود: مطابق با تعریف چهارم یعنی انعقاد نکاح بدون اعلان، بدون اذن ولی و بدون شهود؛ تکلیف این نوع نکاح روشن است که بطلان است، زیرا علاوه بر عدم اذن ولی، شهود که از شرایط صحت عقد نکاح از نظر اهل سنت می‌باشد، در کار نیست، لذا به اجماع فقهای اهل سنت نکاح باطل است. (الجارحی، ۲۰۱۲؛ جزیری، ۱۴۱۹)

بنابراین ازدواج عرفی در صورتی که مخالف با شرع باشد، ازدواجی باطل است و احکام ازدواج بر آن مترتب نمی‌شود جزء اینکه نزدیکی زوج، وطی به شبهه محسوب می‌شود، زیرا اعتقاد بر جواز نکاح داشته، لذا فرزند به او ملحق شده و از وی ارث می‌برد. (ابن تیمیه، ۱۹۹۷)

۵. مقایسه ازدواج عرفی با برخی ازدواج‌های مشابه

۱-۵. ازدواج تحلیل

ازدواج تحلیل به معنای این است که هرگاه زنی سه طلاقه شود، همسرش شرعاً و قانوناً نمی‌تواند زن مطلقه را نزد خود بازگرداند، مگر آنکه آن زن با رضایت و اختیار خود با مرد دیگری ازدواج دائم و نزدیکی کرده باشد و سپس آن مرد فوت کند و یا نکاح فسخ شود و یا با رضایت خود آن زن را طلاق دهد، آنگاه مرد اول می‌تواند دوباره با آن زن ازدواج کند. ازدواج تحلیل اگر بدون شرط و نیت طلاق باشد، به اجماع فقهای اهل سنت صحیح است. اما اگر صرفاً به قصد حلال نمودن زن به شوهر نخست باشد؛ در خصوص صحت یا عدم صحت چنین ازدواجی از نظر علمای اهل سنت دو دیدگاه وجود دارد: از نظر مشهور فقیهان اهل سنت شرط و عقد هر دو باطل است. (الترمذی، ۱۴۱۹) اما برخی نیز معتقدند عقد صحیح می‌باشد، اما شرط مذکور باطل است. (ابن الهمام، ۱۳۱۵)

ازدواج تحلیل با ازدواج عرفی تفاوت‌ها و شباهت‌های دارد:

وجه شباهت: بین ازدواج عرفی واجد تمام ارکان و شروط صحت با نکاح تحلیل شباهت‌های وجود دارد از جمله: ۱- هر دو ازدواج با تمام شروط و ارکان شرعی منعقد می‌شوند. ۲- هر دو در سرعت انعقاد عقد و سرعت انعقاد طلاق همانند هم‌اند. ۳- نکاح عرفی غالباً با اتمام سفر و یا حاجت تمام می‌شود و نکاح تحلیل نیز معمولاً با اتمام نزدیکی با

زوجه و ایجاد تحلیل تمام می‌شود. ۴- در نکاح تحلیل غالباً قصد استمرار و دوام نکاح وجود ندارد، نکاح عرفی نیز غالباً بدین صورت است. ۵- هر دو ازدواج در بعضی موارد منتهی به نکاح عادی می‌شود؛ بدین صورت که نکاح عرفی با ثبت رسمی نمودن آن و نکاح تحلیل با طلاق ندادن زن و استمرار نکاح. ۶- در هر دو نکاح تکالیف زوجیت نسبت به نکاح عادی کمتر و معمولاً سری و پنهانی است. (المطلق، ۲۰۰۶)

وجه افتراق: تفاوت‌های این دو نکاح بدین قرار است: ۱- نکاح عرفی در صورت وجود ارکان و شروط معتبر حلال و صحیح است اما نکاح تحلیل اگر با نیت و شرط طلاق باشد به قول مشهور فقهای امامیه و اهل سنت باطل است. ۲- نکاح عرفی ثبت رسمی نشده است، اما نکاح تحلیل ثبت رسمی می‌شود. ۳- ازدواج عرفی به چند صورت که در سطور پیشین آمده، تقسیم می‌شود برخلاف ازدواج تحلیل که فقط یک صورت دارد.

۲-۵. ازدواج موقت

ازدواج موقت آن است که زن عاقل و بالغ خود را با رضایت به عقد مردی درآورد که مانعی برای ازدواج با او (از قبیل مانع نسبی یا سببی یا رضاعی یا شوهر داشتن یا عده و دیگر موانع شرعی) وجود نداشته باشد و مهریه و مدت ازدواج را هم در آن ذکر کند و بعد از اتمام، مدت زن و مرد بدون طلاق از هم جدا می‌شوند. متعه یا همان ازدواج موقت از احکامی است که میان شیعه و اهل سنت نسبت به آن اختلاف نظر جدی وجود دارد، اگرچه بین فقهای شیعه و اهل تسنن اختلافی در اصل مشروعیت متعه وجود ندارد؛ اما اهل سنت مدعی نسخ یا منع حکومتی آن پس از مشروعیت هستند و آن را حرام می‌دانند. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ ق؛ ابن عربی، ۱۳۱۴؛ الشربینی، ۱۹۹۷)

شبهات‌ها و تفاوت‌های ازدواج موقت با ازدواج عرفی از این قرارند:

وجه شباهت: ۱- ازدواج موقت برای مدت معین می‌باشد، ازدواج عرفی نیز غالباً موقت می‌باشد. ۲- در بسیاری موارد ازدواج موقت همانند ازدواج عرفی ثبت رسمی نمی‌گردد. ۳- هر دو ازدواج معمولاً سری و پنهانی است، به‌ویژه پنهان کردن از زوجه نخست.

وجه افتراق: ۱- در ازدواج موقت با اتمام مدت، عقد به پایان رسیده و زوجین بدون طلاق از هم جدا می‌شوند، برخلاف نکاح عرفی که جدایی صرفاً از طریق طلاق است. ۲- برخی از آثار نکاح شرعی و عادی مثل حق مسکن، طلاق و ... بر متعه بار نیست، اما در ازدواج عرفی تمام احکام و آثار شرعی نکاح بار می‌گردد. ۳- برای ازدواج موقت محدودیتی از حیث تعدد زوجه وجود ندارد، اما در ازدواج عرفی تعدد شرعی یعنی چهار زن بیشتر امکان‌پذیر نیست.

۳-۵. ازدواج مسیار

یکی از نکاح‌های موجود در میان اهل سنت، ازدواج مسیاری است؛ مسیاری ازدواجی است که واجد همه ارکان و شرایط صحت نکاح است، اما زن از برخی حقوق مادی خود مانند مسکن، نفقه و فرزندان و یا برخی حقوق معنوی خود مانند حق هم‌خوابگی صرف‌نظر می‌کند. طرفین عقد نکاح می‌توانند توافق بر علنی و رسمی بودن این نکاح نمایند و هم می‌توانند توافق بر مخفی و سرّی بودن نکاح نمایند. ناگفته نماند که در این نوع ازدواج زن می‌پذیرد که مرد صرفاً گاهی مواقع به او سر بزند. (زحیلی، ۱۹۳۲) در مورد حکم ازدواج مسیاری بین علمای معاصر اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را جایز، برخی حرام و برخی قائل به توقف شده‌اند. (اشقر، ۲۰۰؛ تیمیمی، ۱۴۱۸)

شباهت‌ها و تفاوت‌های بین ازدواج مسیاری با ازدواج عرفی وجود دارد:

وجه شباهت: ۱- هر دو ازدواج واجد تمام ارکان و شروط شرعی و معتبر هستند. ۲- دلایل و اسباب شکل‌گیری هر دو ازدواج مشابه هم‌اند. ۳- هر دو ازدواج غالباً پنهانی است، به‌ویژه پنهان کردن از اهالی خانواده.

وجه افتراق: ۱- ازدواج مسیاری غالباً در محافل حکومتی ثبت می‌شود، اما ازدواج عرفی اصلاً ثبت نمی‌شود. ۲- ازدواج عرفی همه آثار شرعی از نفقه و مسکن و ... بر آن بار می‌شود، اما در ازدواج مسیاری زوجین اتفاق بر اسقاط حق نفقه یا مسکن و یا قسم و یا همه آن‌ها نموده‌اند. ۳- ازدواج عرفی دارای چند صورت و شکل است، اما ازدواج مسیاری فقط یک صورت دارد. ۴- ازدواج مسیاری از قدیم‌الایام وجود داشته است، اما ازدواج عرفی نکاحی نوظهور است. (المطلق، ۲۰۰۶)

۴-۵. ازدواج سرّی

از دیگر نکاح‌های رایج میان فرق اهل سنت، نکاح سرّی است، از این نکاح تعاریف متعددی شده است: ۱- نکاحی است که در آن زن یا مرد یا هر دو آن‌ها با شهود تبانی می‌کنند تا نکاح را از مردم یا گروهی خاص پنهان دارند. (زحیلی، ۱۹۳۲) ۲- عقدی است بین زوجین بدون حضور شهود و بدون اینکه اعلان شود. (جارحی، ۲۰۱۲) ۳- نکاحی است که زوج با شهود تبانی می‌کند بر کتمان آن از همسر دیگرش و یا کتمان از گروهی اگرچه از اهالی خانواده. (دسوقی، بی‌تا) ۴- نکاحی است فقط با حضور زوجین، بدون حضور ولی و شهود. (شاکر، ۱۹۹۷)

نکاح سرّی با ازدواج عرفی شباهت‌ها و تفاوت‌های به‌قرار ذیل دارد:

وجه شباهت: ۱- نکاح عرفی و سرّی هر دو اشکال مختلفی دارند و در صورتی که تمام ارکان و شروط نکاح شرعی را داشته باشند بر هر دو تمام احکام نکاح شرعی چون؛ اثبات نسب، توارث و ... بار می‌شود. همچنین هر دو نکاح در برخی موارد فاقد برخی از ارکان و شروط معتبر نکاح هستند. ۲- هر دو نکاح در بسیاری از اسباب شکل‌گیری

مشترک‌اند، از جمله؛ رغبت مرد به تمتع بیش از یک زن، ترس از به‌هم‌ریختگی کیان خانواده و ... ۳- اصل در هر دو نکاح سری و پنهانی بودن است. در نکاح سری، مخفی نگه‌داشتن موضوع نکاح، مدنظر طرفین است و همین قضیه عموماً در نکاح عرفی نیز به چشم می‌خورد. ۴- هر دو نکاح نزد مردم شبیه هم هستند، لذا گاهی با هم تداخل می‌کنند. (بکر، ۱۹۹۸)

وجه افتراق: ۱- نکاح سری در عصر حاضر غالباً موافق با شرع نیست و ارکان آن ناقص است لذا آثار و احکام نکاح نیز بر آن مترتب نمی‌شود. اما نکاح عرفی غالباً واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح است و آثار شرعی از نسب و نفقه و ... نیز بر آن مترتب می‌شود. ۲- نکاح سری کتمان آن معمولاً از اهالی خانواده زوج و زوجه و عموم مردم است. اما نکاح عرفی کتمان آن غالباً از زوجه اول و یا به جهات خاصی چون؛ هزینه‌های بالای نکاح و ... می‌باشد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

بعد از نقد و تحلیل ادله قائلین به صحت نکاح عرفی واجد تمام ارکان و شرایط صحت نکاح و همچنین ادله قائلین به حرمت آن، به نظر می‌رسد چنانچه نکاح عرفی واجد تمام شروط و ارکان صحت نکاح باشد، از نظر شرعی صحیح است؛ بدین دلیل که ادله و اطلاق آیات و روایات مربوط به نکاح دائم، شامل نکاح عرفی می‌شود، زیرا نکاحی است واجد تمام شروط و احکام صحت نکاح، بدین صورت که واجد صیغه عقد دائم و مهریه است و در صورت اعتقاد به لزوم حضور شهود، آن‌ها هم حاضرند، بنابراین تمام شرایط جمع است. آیاتی که در قرآن آمده که می‌گوید: «وَ أَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» یا «أَحَلَّ النِّكَاحَ وَ الزَّوْجَ وَ حَرَّمَ الزَّوْجَ وَ السَّفَاحَ» این نوع نکاح را هم شامل است و به‌اتفاق همه علماء ثبت ازدواج شرط صحت عقد نیست. (ابن تیمیّه، ۱۹۹۷) و هیچ‌کدام از فقهای متقدم، متأخر و معاصر قائل به وجوب ثبت نکاح نشده‌اند و در صورت عدم ثبت آن حکم به بطلان نداده‌اند.

اما نکاح عرفی در حالیکه فاقد برخی از ارکان و شروط صحت باشد و در دفاتر رسمی نیز ثبت رسمی نشده باشد؛ در این خصوص اگر نکاح رکن «شهود و یا اذن ولی» را نداشته باشد، از نظر همه فرق اهل سنت، که «شهود و اذن ولی» را شرط صحت نکاح قرار داده‌اند، نکاح باطل است، اما در صورت «عدم اعلان» نکاح، فقط از نظر فرقه مالکیه که «اعلان» را از شرایط صحت نکاح قرار داده‌اند، نکاح باطل است و دیگر فرق اهل تسنن چنین نکاحی را صحیح می‌دانند، زیرا «اعلان» را جزء ارکان و یا شروط صحت عقد نکاح نمی‌دانند.

باین حال باید متذکر شد که در جهان معاصر با توجه به مشکلات فراوان نکاح عرفی، از طرفی ثبت نکاح ضروری می‌باشد و از طرفی باید روش‌هایی را برای منع انتشار این نوع نکاح در جامعه اتخاذ کرد؛ بنابراین به دلیل صیانت و جلوگیری از تضییع حقوق زوجه و فرزندان حاصل از این نکاح، به وجود آمدن آثار بد در جامعه و سوءاستفاده

فاحش از این ازدواج، سرنوشت مبهم فرزندان به واسطه عدم امکان ثبت رسمی فرزندان، سرنوشت مبهم زوجه در صورت رها شدنش توسط زوج که نه طلاق داده شده باشد و نه شوهر به او برگردد، دفع مفسد این نوع ازدواج، شبیه زنا بودن این نوع نکاح، شیوع با هدف اشباع شهوت و غریزه جنسی، اشاعه فاحشه گری تحت پوشش ازدواج، تهدید کانون خانواده، روشن شدن وضعیت حضانت و نیز معلوم شدن حقوقی نظریه مهریه، نفقه و ارث، عدم برخورداری زن از حمایت قانونی و اجتماعی، عدم امکان زن در حفاظت از نسلش در صورت انکار نسب فرزند توسط زوج، سقط جنین حاصل از این نکاح و در نتیجه ارتکاب قتل نفس توسط زوجین و یا زوجه در بسیاری از موارد، ازدواج مجدد زن در بسیاری از موارد بدون طلاق گرفتن از زوج عرفی و عدم اطلاع همسر دوم از این مسئله و در نتیجه سببی برای اختلاط نسب، زنا و بسیاری از مفسد دیگر. لذا لازم است ازدواج در دفاتر رسمی به ثبت رسد، هرچند ثبت عمل حقوقی ازدواج در دفاتر رسمی شرط صحت این عقد بشمار نمی‌رود، اما می‌توان ثبت نمودن را شرط قانونی نامید. البته ضمانت اجرایی این شرط قانونی نمی‌تواند به پیکره عقد نکاح خللی وارد آورد. حاکم اسلامی به منظور جلب منفعت یا دفع ضرر می‌تواند برای نقض و نادیده گرفتن شروطی نظیر این مورد، مجازاتی را به عنوان تعزیر در نظر بگیرد، این تعزیر حکومتی ضمانت اجرایی شروط قانونی است تا بدین طریق وضع این شروط بیهوده تلقی نگردد.

با این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که ازدواج عرفی به معنای نخست از منظر شرعی و قانونی صحیح است، اما طرفین که اقدام به رسمی کردن آن ننموده‌اند، باید به کیفر محکوم شوند و لازم است قانون همواره در مورد ثبت نکاح رعایت گردد تا بدین ترتیب از ایجاد بی‌نظمی در ثبت امور و احوال شخصیه افراد پرهیز گردد. ثبت رسمی وقایع و اعمال حقوقی موضوعی است که عقل نیز به آن حکم می‌کند، به دلیل ملازمه عقلی میان وجوب شیء و مقدمه آن، ثبت واقعه ازدواج به عنوان مقدمه واجب حفظ و استحکام بنیان خانواده و عدم تضييع حقوق زوجین لازم و ضروری است. شارع مقدس نیز در آیه دین (بقره: ۲۸۲) که درباره مسائل حقوقی و نحوه تنظیم سند تجاری است به آن اشاره نموده است، این آیه هرچند صراحت در ثبت واقعه ازدواج ندارد، اما از طریق قیاس اولویت می‌توان برای ثبت واقعه ازدواج، طلاق و رجوع بدان استناد کرد.

بنابراین ثبت رسمی نکاح راه بسیار مناسبی است که رسیدگی و اثبات آن را به‌ویژه در دعاوی اصل نکاح و طلاق و نسب تسریع و تسهیل می‌بخشد و چه بسا مانع چنین دعاوی نیز گردد. از فواید مهمی که با ثبت رسمی نکاح عاید زوجین می‌گردد این است که اولاً: محتویات و امضاهای مندرج در این سند معتبر بوده، لذا اظهار انکار و تردید نسبت به آن مسموع نیست. ثانیاً: چون مهریه در سند رسمی ازدواج درج شده، بدون احتیاج به حکمی از محاکم عدلیه، لازم‌الاجراست و به صرف تقاضای زوجه یا قائم‌مقام قانونی وی، اجرائیه صادر می‌گردد. ثالثاً: پیشگیری و کاهش بسیاری از جرائم در خانواده، چون: عدم امکان انکار زوجیت و ترک انفاق زوجه و فرزندان، عدم امکان ادعای جهل

یا علم نداشتن در ازدواج با زن معتده یا زن شوهردار و ... رابعاً: اطمینان از سلامت زوجین با ارائه گواهینامه سلامت در هنگام ثبت ازدواج. خامساً: ثبت ازدواج زمینه را برای پنهان‌کاری و ترویج فساد و روابط نامشروع از بین می‌برد و بنیان خانواده را مستحکم می‌کند.

لذا ضروری است که حاکم اسلامی به جهت جلوگیری از تضييع حقوق زوج و فرزندان، دفع مفسد این نوع ازدواج، عدم تحقق اهداف و مقاصد شرع از ازدواج عرفی، تهدید کیان خانواده و بسیاری از مفسد دیگر، ثبت این نوع ازدواج را در دفاتر رسمی، الزامی نماید و برای نقض و نادیده گرفتن آن ضمانت اجرایی مدنی و کیفری مقرر نماید.

فهرست منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن الهمام، کمال الدین محمد بن عبد الواحد. (۱۳۱۵). شرح فتح القدير. مصر: انتشارات اميريه.
- ۳- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم. (۱۹۹۷). مجموع الفتاوی. مصر: دار الوفاء.
- ۴- ابن رشد، محمد بن احمد. (۱۹۹۵). بدایة المجتهد و نهایة المقتصد. بیروت: دار الفکر.
- ۵- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۹۸۸). الکافی فی فقه الامام احمد بن حنبل. بیروت: مکتب اسلامی.
- ۶- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۴۰۵). المغنی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۷- ابن قیم، جوزیه. (۱۹۹۳). اعلام الموقعین عن رب العالمین. قاهره: دار الحدیث.
- ۸- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
- ۹- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم. (۱۹۸۰). الاشباه و النظائر. بیروت: دار الهلال.
- ۱۰- ابواحمد، ندا. (بی تا). اسباب الزواج العرفی و موقف الشرع منه. مصر: شامله.
- ۱۱- اشقر، أسامة عمر سلیمان. (۲۰۰۰). مستجدات فقهیة فی قضايا الزواج و الطلاق. اردن: دار النفائس.
- ۱۲- آهنگران و افشار، محمدرسول و اباذر. (۱۳۹۲ و ۱۳۹۳). مبانی مشروعیت نکاح مسیار در فقه و حقوق اسلامی. اندیشه تقریب، ش ۳۲ و ۳۳.
- ۱۳- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱). صحیح بخاری. بیروت: دار الفکر.
- ۱۴- بیهقی، ابی بکر احمد بن الحسین ابن علی. (۱۴۱۱). سنن الکبری. بیروت: دارالمعرفة.
- ۱۵- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۱۹). سنن الترمذی. قاهره: دار الحدیث.
- ۱۶- جارحی، عبد رب النبی علی. (۲۰۱۲). الزواج العرفی المشکله والحل والزواج السری ونکاح المتعة والزواج العرفی عند المسيحية وزواج المسیار. بیروت: دار الروضة.
- ۱۷- جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۱۹). الفقه علی المذاهب الاربعه. بیروت: دارالثقلین.

- ۱۸- دردیر، احمد بن محمد. (بی تا). الشرح الكبير على حاشية الدسوقي. بيروت: دارالفکر.
- ۱۹- دسوقي، شمس الدين محمد عرفه. (بی تا). حاشية الدسوقي على الشرح الكبير. قاهره: زهران.
- ۲۰- روستائی صدرآبادی و آیتی، حمید و محمد رضا. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه ای نکاح متعه و نکاح مسیار در فقه. مبانی فقهی حقوق اسلامی، ش ۱۰.
- ۲۱- زحیلی، وهبه. (۱۳۸۲). فقه خانواده در جهان معاصر، (ترجمه عبدالعزیز سلیمی). تهران: نشر احسان.
- ۲۲- زحیلی، وهبه. (۱۹۳۲). قضايا الفقه و الفكر المعاصر. بيروت: دارالفکر.
- ۲۳- سکری، أمانی کامل. (۲۰۰۰). الزواج العرفی فی القانون. مصر: بی جا.
- ۲۴- شافعی، محمد بن ادريس. (۱۴۱۰). الأم. بيروت: دارالمعرفة.
- ۲۵- شاکر، محمد فؤاد. (۱۹۹۷). زواج باطل. بيروت: مکتب اولاد الشيخ للتراث.
- ۲۶- شریبى، محمد الخطیب. (۱۹۹۷). مغنی المحتاج. بيروت: دارالمعرفة.
- ۲۷- شرفاوی، ابراهیم. (۲۰۰۰). الزواج العرفی فی میزان الشرع. قاهره: مکتبه الصفا.
- ۲۸- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۹- طبرانی، حافظ ابی قاسم سلیمان بن احمد. (بی تا). الكبير. قاهره: احیاء تراث اسلامى.
- ۳۰- عبد العظیم، سعید. (۲۰۰۲). الزواج العرفی. بيروت: دار الايمان.
- ۳۱- عزمی، ممدوح. (بی تا). العقد العرفی. مصر: دار الفكر الجامعی.
- ۳۲- علی محمدی و زرگوش نسب، طاهر و عبدالجبار. (۱۳۹۳). واکاوی مشروعیت ازدواج عرفی از دیدگاه اهل سنت، عواقب و چالش های آن. مطالعات زن و خانواده، ش ۲.
- ۳۳- فاضلی، حمید. (۲۰۰۸). محاضره بعنوان عقود الزواج العرفیه. مصر: بی جا.
- ۳۴- محمدی، جلال. (۱۳۹۶). نکاح مسیار از منظر فقه اسلامی. جبل المتین، ش ۲۱.
- ۳۵- محمود، جمال محمد. (۲۰۰۴). الزواج العرفی فی میزان الاسلام. بيروت: دار الکتب العلمیه.
- ۳۶- مطلق، عبد الملك بن یوسف. (۲۰۰۶). الزواج العرفی داخل المملکة العربیة السعودیة وخارجها دراسة فقهیة وإجتماعیة نقدیة. مصر: دار العاصمہ.
- ۳۷- نیآوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن جبیب. (۱۹۹۴). الحاوی الكبير. بيروت: دار الفكر.

Received: 03 December 2019

Published: 21 September 2020

Critique and analysis of the jurisprudential principles of the legitimacy of various types of customary marriage in Sunni jurisprudence

Abdullah Bagheri Varzaneh ^{1*}, Sedigheh Hatami ²

Abstract

Customary marriage is one of the emerging and unusual marriages that has emerged among the Sunni sect. The distinctive feature of customary marriage is the lack of official registration in the marriage and divorce offices. On the one hand, this type of marriage has provided the ground for many social, legal and psychological problems of couples and society. Demands. Sunni jurists have considered some to believe in the validity of this type of marriage in all its forms, while others have considered it to be related in different types according to the elements and conditions of the validity of marriage; Therefore, the present article in a descriptive-analytical research criticizes and evaluates the views on the issue and finally by accepting the promise of customary marriage if all the elements and conditions of marriage are valid, civil and criminal executive guarantee regarding unofficial marriage registration is necessary. Has known.

Keywords: customary marriage, types of customary marriage, legitimacy of customary marriage, official registration, pillars and conditions of marriage validity

¹. PhD student in Public Law, Islamic Azad University, Najafabad, Iran, Email: abdollah.baghere@gmail.com

². PhD student in Islamic jurisprudence and principles, Ferdowsi University, Mashhad, Iran, Email: hatamisedighe@yahoo.com